

مهر حق

ای مهر حق زمانه زار = دلم گرفت
ایب چه دستان تو فریاد مکنی
آفر سرشته انهم عوفا براه چیت
دانی چه درده که تو ایاماد مکنی
یک ناله از تو، ناله مادگر ز آسار
کج داد ما رنده، چه تو بیداد مکنی
حویک بسفم حقان تو، پرسم ز خویش
کای دلی ز دام غم آزاد مکنی ؟
آتش زنده به حال من ایب، مگر تو هم
از رور کار رفته چون یاد مکنی ؟
ای مهر حق، مگر تو پرین کی چو آله اس
کای گونه در فغانی و اینان ناله ای ؟

(زنی)

۴ ۴ ۴

در شبه مرداد ۱۳۲۵